

تحلیل نهضت آزادی ایران از حوادث تأسفبار اخیر

حوادثی که در ده روز گذشته در کشورمان رخ داده است، به لحاظ گستردگی و شدت خشونت نیروهای درگیر دارای اهمیت بسیاری است. این رخدادها نشان داد که اگر جریانها، جناحها، احزاب و گروههای سیاسی اصلاح طلب و محافظه کار، چه در درون حاکمیت و چه بیرون از آن، حاضر به قبول و تمکین به قواعد و مقررات تقابل های سیاسی قانونی نشوند، چه خطراتی می تواند در کمین کیان کشور باشد.

می توان گفت که این رویدادها از نقطه ای آغاز شد که جناح محافظه کار در مجلس شورای اسلامی، در راستای برنامه محدود و محصور کردن مطبوعات مستقل کشور بر تصویب طرحی که تهیه شده بود، به رغم مخالفت دولت، بسیاری از مطبوعات و اکثریت قاطع دانشجویان و اندیشه ورزان خیرخواه نظام جمهوری اسلامی پافشاری نمود.

البته در یک تقابل مدنی و قانونمند، گروه قدرتمند محافظه کاران در مجلس می تواند از حق دموکراتیک خود استفاده کرده، هر نظر و برنامه ای را در چارچوب ضوابط قانونی مطرح کند و بر تصویب آن اصرار ورزد. چنین کاری یک رفتار سیاسی نامتعارف نیست، اما سابقه نشان می دهد که این جریان در هر جا که کم می آورد، پای رهبری را به میان می کشد و آن چنان عمل می کند که گویی تمامی تصمیمات و فعالیتهای این جریان مورد تأیید مقام رهبری است. حرکت اخیر جریان یاد شده نه تنها یک رفتار نامتعارف و دور از خردورزی بود، بلکه با توجه به حرکت های بعدی از نوعی تعمد و غرض ورزی خاص برای تحریک حکایت می کرد. این تحریک هنگامی قوت گرفت که بلافاصله پس از تصویب کلیات طرح قانون مطبوعات در مجلس، دادگاه ویژه روحانیت وارد عمل شد و روزنامه سلام را بر خلاف اختیارات قانونی مطبوعات توقیف کرد.

در واکنش به این دو تهاجم معنادار، در روز ۱۸ تیرماه اعتراضی ملایم و قانونمند توسط دانشجویان در یک محیط محدود صورت گرفت. اگرچه در این حرکت اعتراضی، برخی از عناصر تندرو بدون رعایت ضوابط مبارزه قانونی و عقلانیت مدنی شعارهای نامناسبی سر دادند، اما همه چیز در حوالی نیمه شب آرام و پایان گرفت. ولی ناگهان پرده سوم نمایش قدرت با یورش نیروهای ویژه انتظامی به خوابگاه دانشجویان در سحرگاه آن شب، همراه با گروهی در لباس مبدل اما مجهز به انواع وسایل ضرب و شتم و کشتار آغاز شد و مهاجمان صحنه هایی را به وجود آوردند که حتی به اقرار مقامات مسئول کشور، غیرانسانی، ددمشانه و در تاریخ چند دهه گذشته ایران بی سابقه بود. یورش یگانهای از نیروهای انتظامی بدون موافقت و یا اطلاع مقامات وزارت کشور و یا هماهنگی با مقامات دانشگاهی تبدیل به یک انفجار سیاسی شد. هزاران نفر از دانشجویان و مردمی که نگران سرنوشت دانشجویان بودند به خیابانهای اطراف خوابگاه و دانشگاه تهران ریختند. دانشجویان برای تأمین درخواستهای خود دست به اعتصاب و تحصن زدند. دانشجویان دانشگاههای تبریز، اصفهان، مشهد و همدان نیز به حمایت برخاستند و

در تبریز تظاهرات دانشجویان به خاک و خون کشیده شد.

در واکنش به این حوادث اقدامات به موقع شورای امنیت ملی اگرچه تأمین‌کننده تمامی خواسته‌های دانشجویان نبود، می‌توانست آغاز خوبی برای حل مسالمت‌آمیز بحران باشد و اگر گام بلندتر با عزل یا استعفای فرمانده نیروی انتظامی برداشته می‌شد به احتمال قریب به یقین بحران فروکش می‌کرد. اما حوادث بعدی نشان داد که حمله به خوابگاه دانشجویان و آن صحنه‌های شرم‌آور، حمله به مغازه‌ها و بانکها، آتش زدن ماشینها و ... سردادن شعارهای تند تحریک‌آمیز علیه رهبری، هیچ یک بدون برنامه و هدف نبوده است. کسانی که با تاریخ آشنایی دارند می‌توانند به سادگی معنا و مفهوم آن حملات و حرکت‌های بعدی را درک کنند. این گونه برخوردها در کشورهای جهان سوم روش‌های شناخته شده کلاسیک در تقابل نیروهای محافظه‌کار با اصلاح‌طلبان می‌باشد.

رأی اکثریت بزرگی از مردم کشورمان به آقای خاتمی در واقع تجلی اراده ملت ایران برای گذار آرام، قانونمند و مطمئن جامعه به یک نظام مردم سالار در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بوده است. جریانهای افراطی، خشونت‌طلب و بی‌اعتقاد به رکن جمهوریت و به مردم‌سالاری و حاکمیت قانون در طی دو سال گذشته از هیچ حرکتی برای جلوگیری از ادامه این فرایند اجتناب‌ناپذیر و رو به رشد خودداری نکرده‌اند. هدف اصلی این جریانها ایجاد وضعیتی است که آقای خاتمی را قبل از پایان دوره چهارساله ریاست جمهوری وادار به استعفا و کناره‌گیری کند. چنین به نظر می‌رسد که محور اصلی در این برنامه ایجاد تقابل میان مقام رهبری و رئیس جمهور است. حرکات خودسرانه گروهی در وزارت اطلاعات، که وزیر آن احتمالاً با نظر رهبری برگزیده می‌شود، یورش وحشیانه یگانهایی از نیروی انتظامی به خوابگاه دانشجویان، که قانوناً زیر نظر فرمانده کل قوا قرار دارند، شرکت فعالانه و منسجم گروههای فشار، هماهنگی سازمان صدا و سیما - که طبق قانون اساسی زیر نظر مستقیم مقام رهبری قرار دارد - با این برنامه‌ها، غوغاسالاری روزنامه‌هایی که مدیران آنها منصوب مقام رهبری هستند و عملکرد قوه قضائیه، همه در این جهت است که پای مقام رهبری را به این ماجراها بکشانند و سیاستها و اهداف خود را با چنین پوششی به پیش ببرند. نهضت آزادی ایران چنین تقابلی را نه به نفع مقام رهبری و کیان کشور می‌داند و نه به نفع هیچ یک از مسئولان کشور و یا محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان.

جریانهای معتقد به استراتژی براندازی نیز از چنین برنامه‌هایی که در نهایت منجر به ناکامی رئیس جمهور برای توسعه سیاسی و حل مسالمت‌آمیز و مدنی مسائل و مشکلات می‌شود، نه تنها استقبال می‌کنند، بلکه خود با تمام نیرو به آنها دامن می‌زنند. در حوادث شوم روزهای اخیر، بسیاری از نیروهای اصلاح‌طلب از جمله نهضت آزادی ایران نگرانی عمیق خود را از حضور و تأثیر این عناصر، آشکارا ابراز کردند و جنبش دانشجویی و رهبران آن را به خویشتن‌داری و پرهیز از گرفتار شدن در دام این جریانها توصیه کردند. براساس چنین تحلیل و نگرشی، نهضت آزادی ایران از تصمیم مشترک شورای متحصنین دانشجویان و دفتر تحکیم وحدت در مورد توقف موقت فعالیتهای دفاعی به منظور دادن مهلت و فرصت به دولت و مقامات مسئول برای تأمین خواسته‌های دانشجویان استقبال کرد و حمایت خود را طی اطلاعیه مورخ ۷۸/۴/۲۳ اعلام نمود. اما فروکش کردن بحران و آرامش پدیدآمده را نباید به معنای حل قطعی بحران تصور کرد.

نهضت آزادی ایران از ریاست محترم جمهوری و شورای امنیت ملی می‌خواهد که اولاً با نمایندگان دانشجویان به گفتگو بنشینند و به درخواستهای منطقی آنان هرچه سریعتر پاسخ دهند، ثانیاً دست به چاره‌جویی‌های اساسی بزنند تا از تکرار حوادثی نظیر آنچه در ۱۸ تیرماه و روزهای بعد رخ داد پیشگیری گردد. باید اقداماتی انجام گیرد که وزارت کشور بتواند مسئولیت مستقیم حفظ امنیت داخلی کشور و اداره نیروهای انتظامی را بر عهده گیرد و در برابر افکار عمومی و مجلس شورای اسلامی پاسخگو باشد.

در شرایط کنونی باید کوشش کرد که فضا برای ادامه گفت‌وگوهای مدنی میان جناحهای مختلف درون بیرون حاکمیت، میان اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران همچنان باز نگاه داشته شود. ممکن است گروه‌ها و جریانهای قدرتمند درون حاکمیت به جای عبرت‌اندوزی از حوادث اخیر جهت اصلاح سیاستها و عملکردهای خود، از آنها به عنوان بهانه‌ای برای بستن فضای سیاسی کشور استفاده کنند. برخی از روزنامه‌های غوغاسالار و خشونت‌طلب، با جوسازی و اشاعه اکاذیب، نهضت آزادی ایران را که همواره به طور صریح با هر گونه خشونت و تشنج مخالفت ورزیده است، متهم به مشارکت در ایجاد تشنج می‌کنند تا زمینه را برای وارد کردن فشار بیشتر بر نهضت آزادی ایران و دستگیری فعالان نهضت آزادی و سایر نیروهای ملی- مذهبی با سابقه کشور فراهم سازند.

اگر تمامی نیروهای اصلاح‌طلب و محافظه‌کار از وقایع بسیار تلخی که در روزهای گذشته رخ داده است عبرت بگیرند شاید بتوان گفت که زیانها و خسارات جانی و مالی وارد شده ارزش چنین دستاوردی را داشته است و گرنه باید بر آنچه گذشته است سوگمندی مضاعف داشت که هرگز چنین مباد.

نهضت آزادی ایران